تأثیر نهجالبلاغه در تغییر نگرش ایرانیان در زمینه عدل
(با استناد به شعر پارسی)
بهروز رومبستی، مصطفی سالازی\¹

چکیده
گرایش‌های مذهبی، تأثیر شگری بر متن فرهنگی - ادبی ملت‌ها بهدا و می‌نهد. در محدوده زبان پارسی نیز می‌توان برخی از این تأثیرات را مشاهده کرد. تغییر گرایش مذهبی ایرانیان، از منتهب تسنن به شرعی تغییرات عمدی‌ای را در متن ادبی بر جای نمی‌گذارد. از جمله سپسی عدل که تا پیش از عهد طوفان به خلافت دوم عمرین خطاب اختصاص داشت، به عنوان شعیب(ع) متفق شد. نهجالبلاغه اثر ارزش‌شناسی امام علی(ع) تأثیر عمدی‌ای بر این تغییر نگرش داشته است; چرا که تمدیدت آن حضور را بیش از هر یا می‌توان در این کتاب ملاحظه و نمود. برکاری عدل و رعایت انصاف، در تمام تحاد اندیشه ایشان قابل مشاهده است. حقيقة که انتساب عدل به این امام بزرگوار، صحیح می‌گذارد.

کلید واژه‌ها: امام علی(ع)، عمرین خطاب، عدل، نهجالبلاغه و ادب پارسی.

لیست رجوع:
۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز
۳. عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

Email: bromiani@yahoo.com
تأثیر نهج‌البلاغه در تغییر نگرش ایرانیان در زمینه عدل

مقدمه

1. درآمد

عالتی‌های و عدل‌شوری، آرزوی کهن انسان‌های تاریخ بوده است. نهایت می‌توان ادعا کرد که بیش از هر مفهوم

دیگری در میان بزرگ‌نمایان اندیشه‌ها بوده، به ان بپرداخته شده است. تکنیکی که قابل توجه در این زمینه، این است که هم در جنبش‌های مذهبی و هم در جنبش‌های غیرمذهبی ارائه شده است. برای آن در نظر گرفتن‌وی در این، به جهت درک شکلی دوستداری شده است.

به‌نظر می‌رسد، عمده‌ترین تلاش‌های پیامبر و مصلحان اجتماعی در جهت تأثیر بر این عادات تاریخی است، انسان‌ها اقدام به‌دست آورده و همواره از بزرگ‌ترین اهداف اجتماعی در تغییرات سیاسی بهره‌مند است. در این

اسلام نیز توجه و ویژه‌ی بیان مقوله‌های اسلامی است؛ اگر چه بی‌نظر می‌رسد که شاهد توجه مضاعفی

از جانب بیان‌های هستیم که علیه ویژه‌ی هدایت و همواره، قرار گرفتن سیاسی در اصول دین است: این به مدتی که توجیهی بیان مقاله‌های مبانی اسلامی نیست. در میان دیگر فرقه‌ها، بی‌توجهی به‌تنهایی اهل تسنیم، شاهد شیعی در گوینده اجرای عدل‌طلبی به‌سمت می‌خورد.

مانند پیامبر از ادیان زندگی چنین، بخشی از قولیان و شرایط مرتبط با مفهوم عدل و عدل‌شوری را

می‌توان در کتاب‌های مسلمانان مشاهده کرد. فرمان، همواره انسان‌ها را به رعایت حقوق دیگران و

برای عمل و انصاف، فرا خوانده است؛ علاوه بر این کتاب‌های انسانی، بعضی گسترده‌ای از دستورالعمل‌های

علال جمیر را می‌توان در میان سخنان برگزار مذهبی؛ بی‌توجهی به‌شکلی اطلاع می‌آید.

به‌وجود‌ارگی این است اگر گفتگو شود که مفهوم البلاغه، در میان سبیل مصنف‌ها بزرگ‌نمایان از خاندان

پیامبر، در اثنای خرده‌ها و عدل‌شوری و عدل‌شوری‌ها، بیشتر و البته هفتم‌توانست است. هر دستور جانی

دیگری نیز در نهایت، به‌خطر برقراری عدل و انصاف، وضع و ارازی می‌شود و هر هدف و دستاورده،

خواستار شده‌داد، و دیگری قرار می‌گیرد. این چه در این میان حرف‌انگیز می‌نماید، بی‌توجه بودن

صنف در تولیدات فرهنگی-دبیر ایرانیان، در قرن‌های خصوصی اسلامی است. عموماً ایرانیان علی(ع) را با

صفت‌های بچه‌خوانی دیگری سوده و به‌عنوان منوی‌مان از کمال انسان مطرح کرده‌اند؛ اما شخصیت

مذهبی دیگری را به‌عنوان سیلی عدل سناش کرده‌اند. این رویه، سخت تحت تأثیر گرایش مذهبی

ایرانیان و بی‌توجهیی موجود در فضای سیاسی آن روزگار است.

- ۱. یکی و آمار

اگرچه در زمینه عدل و عدل‌شوری در اندیشه‌های مولوی یاقتیان(ع)، کتب و مقالات پیشمار تأیید

شده با این حال در زمینه‌ی تحلیل شگرد و مهیمی که در تأثیر ادب پارسی، در مبانی سیلی و مصداق

داروزی، تحت تأثیر نهج‌البلاغه و داده است، تحقیق خاصی صورت نگرفته است.
مشخص کردن تأثیر عده و قابل توجه نهج البلاغه بر مثنوی ادبی قرن دهم هجری به بعد در حوزه‌ی جغرافیایی ایران، بیانگر این مساله خواهد بود که یک اثر فکری - عقیدتی یا چه میزان می‌تواند به تولیدات ادبی یک ملت بالغ باشد و از یک منظره به آن مردمانی هم مشخص تأثیر بکار داشته باشد.

از آنجا که در قرن دهم، با روی کار آمدن سلسله‌های قوی، مذهب سلمی کشور یک‌پارچه تغییر می‌یابد، برخی از مفاهیم و مصادر ادبی - فرهنگی نیز تغییراتی در حوزه‌ی میان، مصایع دید و دادوری تغییر می‌کند. مصادری که میان اول شیعه‌ای اینست، تحت تأثیر آراء و تفکرات بازمانده از ایشان در نهج البلاغه مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین ضرورت ناشت تا یک توجه به مثنوی ادبی که در حقیقت انعکاس دهندگانی پیش و عقاید اجتماعی است، به تحقیقات مقدماتی و جامع در این زمینه روز اورده.

2- گرایش مذهبی ایرانیان

مذهب در ایران، تاریخ بر قرار و شیبی را پشت سر نهاده است. ایرانیان دنیایی مهربنیت، مزمن روزنامه، پیشه‌ای ماهی و روزنامه‌ای اول در این محل است. همین امرهای ادکل که حتی گرایش‌های فکری دربر چند gerne می‌گردد. این میان، برخی باورها نیز به سپر مردمی از پژوهشی فرهنگی در اندیشه‌های ایرانی، برجستگی بیشتری یافته و به طرح شکفت‌انگیزی، مانگ‌گادر گردید.

علد و عدالت بیشتر، از دستورالعمل هرکس است که در ایران پیش از اسلام، از ارزش و وزهای بخوردار بوده و به استفاده از رزم‌آمیزی برخورداری زیادی در استدلال اسلامی، از جایگاه فریب بخورداری، هدایت آن جا که کمرت کتاب و میلیون‌ها اخلاقی - فرهنگی را می‌توان یافته که به خششی از مطالب خود را به آن اختصاص نداده باید.

2-1 عدل در انگلیسی ایرانی

هرم وونه گونه که پیش از این نیز مذکر شد، کمتر ساختمانی است که می‌توان یافته بود. به‌ویژه آن‌ها که در زمینه‌ی پنداشت و حکمت نوشته شده‌اند، که در آن، از عدل و داد به‌حث‌یی بخشی از مباحث نشده‌اند و بحث‌ها و بحث‌های اخلاقی به‌دردوزی از باش و نگهداری را بر باش و نگهداری سخنگویی دارند و در بعضی‌ها نزدکه باشد. اصل‌ها تأکید شده و همگانی و تغییر محضی می‌شده که شاهان و حکام موظف به اجرای آن بوحن. ایرانیان باستان همواره زیاده‌طلبی، خودخوری و نجات به حقوق دیگران را از خطره‌های بالقوه برای مورد
وتکمیل مادهی بیشتری از تغییر تخکرش ایرانیان در زمینه معامله، با این سبب برای مطالعه‌ای است. این بازار مانند در کشورهای دیگر، در این کشور اغلب از تغییرات اقتصادی و سیاسی بیشتری در جهان دیدگاه‌ها و رویکرد‌ها را تغییر می‌دهد. تغییراتی که به‌عنوان مثال، تغییرات در کنوانسهای عالی‌رتبه، تغییرات در سیاست‌های رهبری و حتی تغییرات در ساختار و رفتار بازاریابی می‌گذرد. در این مبحث، از کلیه نیز از نوشتارهای است. که به‌قدرت این دستورالعمل‌های سرعتیتر برای حکومت، نگارش‌های خلاقانه است. در توجه سخنان اردشیر بابک - خلاف‌الله عیه - آورده‌اند. که: یک اسم‌آباد بی‌بارمل. و یا کامل از مبادله، و یا زیاده نمایندگی، و نمایندگی از اعتبار، و نمایندگی از اعتبار، و نمایندگی از اعتبار، و بازکردن صورت می‌بیاند: «آبین همه احیای‌های جواد آن جهان را کدندان تا چرخ‌برشته نگردید»(همان: ۳۴).
شواهد مذکور، محدود وصیای مصلحان و اندیشمندان ایرانی است که در جای‌گاه کتب تعلیمی تعبیه شده است و البته اشاره به این نکته ضروری است که سابقه‌ی طرح دادرسی و دعوت به رعایت حقوق هم‌معنای و مردمان، به مثون پیش از اسلام می‌رسد.

در میانی خرید، قدرت نیک را قدرتی می‌داند که در برگزاری دادت وام‌نامه است: «قدرت نیک آن است که کسی کشور را ابادان و دویشان را اسوده از ستم، و داد و ادین درست را نگاه می‌دازد» (تفصیل، ۱۳۷۹:۳۴).

۲-۲ در اندیشه‌ی اسلامی

عدل در اندیشه‌ی اسلامی نیز چیزی برهم‌سازنی را از آن خود کرده است. از مهم‌ترین پیامهای اسلام و شمار این دین برای این بین بدن تبیض‌ها و جوهره‌ها است؛ همان گونه که در مورد سایر ادیان، می‌توان ملاحظه نمود.

آن چه عدل الیه نامیده می‌شود، توزیع نعومها بر اساس استحاقه‌ها است: «عدل در دستگاه خدا» مثابه براین است که نه محدودیتی از هر چه در اساس است و حزیم منع عطا از هر موجودی نسب به آنچه که مستحق آن بوده است» (دستیابی، ۱۳۶۳:۳۵۴ اصلی که تمام موانع و شرایط اسلامی بر اساس آن استوار شده است: در قرآن آن توجیه گرفته تا مبادله از نیابت گرفته نا امامت و زعامت و از آرامی‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه در محور عدل استوار شده است. عدل قرآن هم‌دوش توجیه، رکن معد، هدف تشريح نبوت، فلسفه‌ی زعامت و امامت، معيار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع.

است» (مطهری، ۱۳۶۹:۶۱).

به‌طور کلی می‌توان مدعی شد که مفهوم "عدل" در مبانی اسلامی، دو جبران متفاوت را با توجه به گرایش‌های مذهبی یکسان نشان می‌دهد است: به این معنی که در مسوفه بی‌روان اهل سنت، عدل هر یک لازمی‌ای ارائه‌ی فکری است که منطق آن بی‌چهر می‌باشد. اما در مبانی شیعیان، همین یاپسیده‌ی اخلاقیه، به اصل عفونتی مثبت می‌شود که بنابراین آن از اصول لایحه و غیرانگار مذهب، لفظ می‌شود. جایگاه عدل در مبانی شیعیان، بسیار تغییر و تغییر است. عدل از اصول اعلی‌ترین شیعیان محسوب می‌شود، اصلی که اکثر آن یا محدودیت دارد، به منظور خروج از دین است: «اصول مذهبی، این چیزی که اگر قبول ندارد شیعه نیست عدل و امامت است» (دستیابی، ۱۳۶۲:۲۵۷).

اصلی که آن اشارتی از جنبه اصلی اسلام می‌باشد: «اینکه اصل عدل در مجموعه‌ی اصول اعلی‌ترین شیعه جای‌گرفته است تا یا به‌طور به‌جا در حکم یک‌پایه کلامی معمول و مدرن نیست بلکه قطعاً معلوم همانی‌ی الیه و به‌یقین به‌آفرین آن یک طرح عده‌ی معتقد از علوم هستی پس از نام مبارک حضرت حق که حقیقت عالم است و توجیه آن ذات یک مثال، ارزش‌های به زبان‌های و عظمت و سمع عدل و رفت‌اری دوست‌داشتی و آرام‌بخش بر جریان و وجود ندارد (طیفی، ۱۳۷۹:۱۶۴).»
تأثیر نهج البلاغه در تغییر نگرش ایرانیان در زمینه عدالت

دیگر نهج‌های تقویت و تناقض در زمینه عدل میان پیرآوان مذاهب اسلامی؛ به‌ویژه شیعیان و اهل‌السنن، انتخاب مسلم عدل و دادوری است. بررسی آن چه از مトン که؛ به‌ویژه متون ادبی استنباط می‌شود، دو مسلم عدل در زبان و ادب پارسی مطرح گردیده است.

در قرون نخستین حجی، خیل‌های روم اهل سنن، عمر بن خطاب، به‌عنوان سیستم و مقتضی عدالت پیشگی، نشان‌های می‌شد، در حالی که پس از بروز نشانه‌های گزارش فکری ایرانیان به سمت عقاید شیعی، این چیزگاه به امام اول شیعیان، علی بن ابی‌طالب(ع)، اختصاص می‌یابد.

۳. سیم عدل در ادب پارسی

گرچه به روایت مورخان اسلامی، برخی از ایرانیان، از همان آغازین سال‌های ورود اسلام به ایران، جانب اینه را گرفته و گراشی شیعی داشتند؛ اما بدلیل عیبی سیاسی ستسگه خلافت سنی مذهب، پیروان اهل سنن در اکثریت بوهمانه؛ بنابراین مستحی از ادبیان پارسی گوی، از اشعار خود، گراشی سنی داشته و بیشتر و ستشای برگزی اهل سنن برداخته و خصوصی پرچم‌های اخلاقی و کرداری آن‌ها را ستواند. در این میان، مدت‌نی خیل‌های دوم؛ یعنی عربین خطاب، به‌عنوان سیم عدل معرفی شده است.

سیبی ضمن سیاست‌های مختلف اخلاقی خلافت، عمرین خطاب را به خاطر یافتنی به ملع می‌ساید:

ور پی بویکر خواهی رفت بعد از مصطفی

ور یکی عمری کو داد و کو مشک و مهارت

ور عثمان گرفنی صرف کو و حلم کو

ور همی گوئی که هستم چاکر شیر خدا

(سابی، ۱۳۸۵ :۵۳۷)

مشابه این باور را در بسیاری از متون پارسی می‌توان ملاحظه نمود.

۱. عدل عمر

رویایی زبدای میهن بر نظرات دقیق عمر برای رعایت عدل در جامعه‌ای اسلامی تحت سلطنتِ اسلام وجود دارد. در این روایات که با نمودی گسترده، به ادب پارسی منتقل شده، عمر به‌عنوان مظهر و نماد عدل و داد معرفی می‌شود:

بدست اولست همه عدل عمر خاطب (فرخی، سیستنی، ۱۳۸۰ :۱۱)

ابی به مردی و کف راه و مروت جو علی (همان، ۱۵۱)

فهرست بآس جید و عدل عمر شود (مسعود سعد، ۱۳۶۲ :۱۴۶)
ترای صدق به‌وکر و علامع
(۱۳۸۹، ص۲۲۳)
علالان رازی امیرالمومنین عصر پرند
(۱۳۸۵ :۱۵۶)
این‌ه صدق روی به‌وکری
(۱۳۸۹، ص۱۳۲)

برخلاف آن چه‌ان یا این اشعار استنباط می‌شود، در برخی از مباحث اشاراتی به عبارت‌هایی که در دوره
خلافت عمر شده است، مثلاً این‌ها: 'به‌وکر' به‌پیروی از رسول خدا (ص) بیست‌المالها را
مسایلی نقل می‌آورد. پس اگر این عمر خلافتی را به‌شناسانه کرد، گرما و ماه‌های گرما
روش او انسان بودن زندگی را فراموش کردند. نه مدیت حکومت عمر را درازا کردند و دل‌های
ایشان را میزانی تروت و زیادی برداخت سربر کرد و آن‌ها که به آن‌ها چاپ‌های و ظلم‌شان،
پیش‌تر بردند و به این قبادعت عادت شدند و هر چیزی از دو گروه (چاپگر با چاپگر) نمی‌زند،
که به هیچ‌وجه این حالات تغییر کند. پس اگر این عمر عالم حکومت سپرده، به‌روش عمر عمل کرد، یک
اطمینان قوم به‌هم یکتایی این حالات بی‌پایی داشت، و کسی که به‌چیزی عادت کند، جدایشند از آن چیز و تعر
عادت برای یک چون اسکی، پس وقتی امیرالمومنین(ع) به حکومت رسید، خواست که امر را به حالتی چون
زمان رسول خدا (ص) و ایوبکر داشت، بازگرداند و حال آن‌ها مدت مانند آن‌ها چاپگر کردند با چاپگر
و این سال فاصله شده بود؛ پس این کار برایشان سخت سختی و آنها ارکار و برگزشی کردند تا آن‌ها بیست را
شکستند (ابن‌الحالدی، ۱۳۸۵ :۱۷۳).

هرچند، روایات نیز در مورد شدت دقت ایشان در برگرایی عدل موجود است؛ اما بايد توجه داشت كه
عامداً این شاهد جایی از برای هدایت عدل اقدامی اسکی، در حالی که از تحفاه کلام مولای نقیب‌القین
برداشت می‌شود که اغلب ایشان، عامدار و چنان شمول‌تر بوده اسکی و عادت‌بر این: عصر، خون، راوی
روایی از یامبر بوده که علی را عادل‌ترین بر خود نامیده است (معنى: ۱۳۸۵ :۱۷۳).

با این حال، در سده‌های نخستین هجری، امام على(ع)، با صفت دیگری معرفی کرده‌اند: از جمله
علمیت، شجاعت و سخاوت.

۲. صفات علی(ع)

به مردی و علم و به زه‌ن که
بان‌زای به‌دن هر‌چهار علی
(نام‌سرخسو، ۱۳۸۵ :۱۸۲)

در متن پارسی، صفات برجهنهای بی‌پین‌ی شیعیان چنان تبدیل شده شد است. صفاتی که
نماونگ برتری ایشان در زمینه علم، سخن‌وری، شجاعت و راستی است: اما برجهنهای ترین خصوصیت

۳. صفات علی(ع)

به مردی و علم و به زه‌ن و سخاوت.

(نام‌سرخسو، ۱۳۸۵ :۱۸۲)
تأثیر نهج البلاغه در تغییر نگرش ایرانیان در زمینه عدل

1-۲-۳. علم علی (ع)

علم و دانشمندی علی (ع). شهری افاق بوده است. آن گونه که در ایبای به نیز قابل مشاهده است:

سنی ای یا چو عمر دارد و شیعی چو عی

(امیرعزی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

بل علم عی نه قال و مقاصلت عن فلا،

(نادر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۵۰)

سفر علی عی ان که در او علیبست

(هامان، ۱۳۴۷)

دورو از جهل همجو علی

(سنای، ۱۳۸۵: ۲۵۴)

2-۲-۳. شجاعت علی (ع)

شجاعت بی نیز از خصوصیات ویژه امام علی (ع) است. در بسیاری از متن ادبی و غیرادبی به این خصوصیت

اشتهاد شده است:

لاقی عی ای عی برخوان هر دم مصطفی

(امیرعزی، ۱۳۸۷: ۱۲۴)

روم دین و داد انصف داند چون عیر

(هامان، ۱۳۶۵)

که از تبروش واش باب خیبر

به شام صفر کرار، حیدر

ز عزرینی و ضرب ذوالفقارش

نب فصلی به روز کازارش

(ناقشی از مولانا خالد تقسیبندی، ۱۳۶۸: ۱۳۷)

3-۲-۳. سخاوت

علی را گوی تا فرمان ببری را

(عطار، اسراک: ۱۵)

سنایی آمد به دربار علی

شامگاه وقت افطار علی

کرد اعطاان غذای خویش را

(مردادی، ۱۳۶۷: ۲۱۷)

گاه نیز شاده وصف سجاوای اخلاقی بیشمار آن بزرگوار در طول چندین بیت هستم؛ آن گونه که در

این ایبای از سنایی مشهود است:
پژوهشنامه نهجالبلاغه، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲

۷۵

آنی‌زاد و علم‌دار
ملکه‌ی کش و علی از حلب
واندکه تاراج کرف و کین او بود
در که شرع را کریم بصرت
گشته مکشوف بر دلس تریل

نیشابور، سال اول، شماره سوم، سال پاییز ۱۳۸۸

(سایر، ۱۳۷۴، ۱۱۴: ۴۴۵)

همان گونه که ملاحظه می‌شود، اشاره‌ای به برگشت‌هایی خصوصیت ایشان به‌وجود می‌آید. در دورهٔ
زمان‌داری نشان داده‌است: البته شایان ذکر اینکه در سده‌های اخیر به‌وجود آمده روی کار آمده، حکمت‌شنی در
مذهب صفوی، مجلا برای زدودن باورهای تحفیظی و کشف حقایق تاریخی از جمله به‌ازای شواهد
دلالته‌شنده بر عدالت و دلیل امام علی(ع)، فراهم‌آمده، بن‌آراییدی که منجر به تغییر سبای عدل در زبان و
ادب پارسی گردید.
در این تحول انسان، اما به‌جا، در پی شناخت جدیدی حکیمی ایشان، یا به‌عنوان مظهر داوروزی
در سایر کرده‌اند.

۲-۳. علی، سبیل عدل
کمتر شاعر من مذکرتی را می‌دانیم که به مانند سایر، عدل علی(ع) را قبوده باشد، یا که در این
اشعارش، مضافتاً عمر را به‌جا برانگیزدی از این صفت تحسین کرده است، در ابتدای در مدح خلیف‌های
چهارم، علی بن‌یابط‌لی(ع)، ترجمه‌است:

بادی عدل جوی همچون بسوار
حاکمی سخت مهر و سخت بهار

(سایر، ۱۳۷۴: ۱۵۱)

حکیمی لاهیی، برای عللار جوی که دیده، به امام عالی‌تر می‌چوید:

گر جوی دیده ام ز فلک انتقام هست
دست من است و دامن داری عدل و داد
برهان قدرت از توجه جلی
نفس بی‌علی و لی، والی عباد

(حکیمی لاهیی، ۱۳۶۷: ۵۳)

علامه‌ی سمیتی، فل عالی ایها عدل تعبیر و تشییع می‌کند:

علی عالی ایها عدل زمین عمل‌ها
چون ز عدلش سر مرویته نه زبان نی صرف امید...
ما امام می‌نیزدیم جز از زنده دلی کو

(قلی‌لش، ۱۳۲۸، ۱۵۱)

جاج شیخ محمد اصفهانی، حمایت ایشان را عامل نبودن رعایت و اسنادی در حق رعایت می‌داند:

جرا نبود رعایت را رعایت
مکار رفت از میان شاّه ولاّیت

(همان، ۱۳۳۹)
تأثیر نهجبلاغه در تغییر نکردهای ایرانیان در زمینه عدل

و شاعری معاصر، در جهت تداوم ستوند وی حضرت، سروده است:

حبل المتنی عالم ایجاد حیدر است
(مردادی، 1374: 86)

در باع غدل نخل تنباور علی
(همان، 117)

فقط آن چه در پی این شاهد به ذهن متبت هم می‌سوزد، این است که خاستگاه این تحول جه بوده است، به نظر می‌رسد که بیش از هر سند و کتاب، می‌توان به نهجبلاغه اثر معرق امرالمومنین، رجوع کرده و بی‌آن برای شناخت سیمای عادل علی(ع) از روایات و احادیث استعانت جست.

۴. عدل علی (ع)

در مورد عدل علی(ع) جند منبع برای تحقیق و وجود دارد. یکی از ترجمه‌های امام همم که محض است در کتاب نهجبلاغه گردآوری شده است و دیگری اظهار نظرهای ائمه که نمایننگ شیوه عدالت بیش از حد است و در روایات و احادیث جمع آوری شده است. البته استنتاج‌های محققین و انیشانی معنا که در قالب کتاب و مقاله ارائه شده است.

۱- ۴. عدل علی در نهجبلاغه

از مهم‌ترین مفاهیم ارائه شده در نهجبلاغه عدل و داد است. در سری معنا قطعی عدل، نظرات گوناگونی وجود دارد. عمداً این وارد خواب است در تقابل با آن؛ یعنی جور می‌کند. در نهجبلاغه به دیدگاری، به معنی ممکن عدل، متافاقی دیگر می‌خورد که کاربردی است: «حضرت امیر در مکی تفسیر آیه «انَّ الله، مَعِ البالعَانِ، و البالعَانِ: الْعِلَمُ» در سختی دیگر می‌فرماید: «الْعِلَمُ: الْعِلَمُ: الْعِلَمُ.»» که در سختی دیگر انصاف عدل قرار داده و فرصته است: «انَّ من العدل ان تنصیف فی الحكم،» چه این که در سختی دیگر عدل را از مصادیق عدل شمرده و به هنگام تبیین چپ‌گاه آمر به معروف و نهی از ممکن می‌فرمایید: «و افضل من این کله کلمه عدل عند امام جانی.» در مورد سیاسی عدل را همراه با حق ذکر فرصته به‌جز که کویا این دو، کلمه‌ای مترتاد فی باشند» (طهیی، 1379: 27).

تقریباً در تمام نامه‌های حضرت به ولایت و حاکمان گماشته شده بر ولایت‌ها و شهرهای تحت سلطنت اسلام، اشاره‌ای به لزوم دادرزی و رعایت انصاف در میان مردم و اطرافان شده است. این وصایا با توجه به مخاطب، آن، قابل تقدیس به چند بخش می‌باشد که اجمالاً به برخی از آنها اشاره می‌شود.
1-1. عدالت اقتصادی
روابط اقتصادی، از مهم‌ترین روابط حکومت‌ها و در واقع ضامن بقای آن‌ها محسوب می‌شود. روابط اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی، شامل درباره‌ی انتخاب در آمد‌ها، نظر رکات، خس، خراج و... می‌شود. حاکم جامعه‌ی اسلامی، می‌باشد این اهداف را وصول و در زمینه‌ی حکومتی چون باران و رسانه‌ی شهروند و دیگر مصرف عام المنفعت، بی‌گزار برد. این مسئله، از دید انسان‌شناسی برجسته‌ی چون علی‌بن‌ابی‌طالب‌(ع) به دور نماده است. او ضیف مشخص کرده تجویز درآمده و شیوه‌های استفاده از آن، از مسئله‌ی مهم‌تری می‌باشند که به‌عنوان گرفتن عدل غافل نماده است.

هرچند شواهد مرتبط با این مسئله در دوران اقتصادی در آثار مؤلفه مفید، مشهور به آن است که نیازی به یادآوری داشتن به‌دست برکتهای سندی می‌کنیم: پس داد مردم را از خود بدهید و در بروزن جامعه‌ی انسان شکبایی ورزیده، که مثلاً زعیت را گنجوراند و امضا را کودن و امامان را ستیزان. حاکم کسی را روا تاکید مکاذب، و ارا را از آن چه مطلبی آست و امضا، و ایران گرفتن- خراج، پوشش زمان‌التنا و تابعیت- همت- را تفریش و پوپیا را به بادره آبندن و بندان را- که در اختیار دارد- و برای درهم کسی را تازه‌ای مزید و دست به حال کسی مبرده...»(علی‌بن‌ابی‌طالب، 1383)

1. عدالت اجتماعی
از برچسب‌های بخش‌های نهج‌البلاغه در زمینه‌ی "عدالت اجتماعی" به‌عنوان مسئله‌ی حاکمیت، تمامی دان‌درکاران از حضرت برکتهای عدل در این زمینه است. عمدی دستورات انسان‌شناس، جهت رعایت حقوق مردم و بی‌دردسر از منافع و حقوقی است که به‌عنوان انسان، حق مردم است.

از حاکم جامعه‌ی اسلامی می‌خواهد حتی در نحوه تکریستن نزد حقوق مشاوی مردم را لحاظ گردد. به‌ویژه بنکر به همگان، خواه چنان چه مقرر خواه خیره شوی به آنان، تا برگان در توطئه می‌شود نتانیجان نیزدند و نتانیان از عدالت آمیز تکریستند (علی‌بن‌ابی‌طالب، 1383: 289).
در رابطه با مسئله‌ی که بخش از سایر اقدام مردم هستند، هنگام دقت را بیان می‌فرموده و حقوق‌های را بر اساس که بود، کوشید کرده و خود و عمامتش را به رعایت آن مردم انتخاب است: حق چسبیده بر من که چیزی را از شما نیشان نمایم چرا راز جنگ- هک از پوپیا آن ناگذاریم- و کاری را جز - در حکم - شرعی، را مند بی‌شماره بی‌شماره به آنان، همیشه با همکاری، و حق مما را از موقع آن چه تاثیر نیفتند، و آن را نرسانی وقفه‌ای در آن روا ندانم، و همیشه شما را در حق برای دانی» (بهمن، 233).

إمکان و حیات در مسیر عدل‌شناسی خویش، اهل جزیه را از یاد نمی‌برد و باز حرف داری و جزای حرف داری به رعایت حقوق آنان می‌کنند: اما بعد دفاعن شریک و نسبتی زاده که با آنان درشت‌تر می‌کند و سختی روا مداری، می‌شکان روا مداری و خردشان می‌شماری. سن در کارشن نگریسته، دیدم چون مشترکند تنوانشان به خود تزیک گردانند، و چون در قلب انسان‌شناسی نشان آن را راند. پس، در کار آنان درشتی و
نمی را به هم آمیز آگاه مهریان باش و گاه تیز، زمانی نزدیک‌تران آور و زمانی دوست آن شادالات» (همان)

(۲۸۳)

میزان و سواک ایشان در رعایت حقوق اجتماعی مردم در چهارچوب عدالت اجتماعی، عاملی شده تا او
را یادداشته بکه رویه در تاریخ بدانند: عدالت اجتماعی به‌عنوان یک مفهوم جامع و همه‌جانبه در
سیاست گذاری یک حکومت و یک نظام و سبب بین‌المللی، برای اولین بار در تاریخ، از طرف امام علی(ع) و
پس از شکست امپراتوری های چین و ایران و افزایش سملسی در قره‌های آسیا و آفریقا یادگاری شد.
از دیدگاه امام علی(ع) عدالت اجتماعی یک اصل مهم و مشروط حکومتی است و همه ابتدای سیاسی،
اقتصادی، اداری و سازمانی را در بردارد. در حالی که عدالت اجتماعی در دوران حکومت و امام علی(ع)
یک آلگی جامع و جنبه‌ای می‌باشد، یک نظریه و مطالعه نمی‌باشد که چنین دیدگاه و اصل
نظری همگرا که از پایه‌های لایه‌ای یک نظام و از شرایط مصرفی یک حکومت محسوب شود در
نظام‌های باستانی و حکومت‌های غیراسلامی قرون وسطی موجود نبوده است (مولانا: ۱۳۸۲) و این
الته حسن در خصوص نیست: چرا که این همه دقت و ریزی در رعایت داد. تقریباً در میان
حاکمیت این آویز بیش در بیش می‌نماید خصوصاً به این خاطر که عدالت‌طلبی وی با ایمان وی همسار
گردید: عدالت اجتماعی امام علی(ع) از دو جهت بی‌نظر است: نخستین اینکه دیدگاه از عدالت
اجتماعی با ایمان او به‌عنوان مردی که از عدالت و حکم و وجدان منجر نند منطق و همسان می‌باشد
دوم اینکه او نشان می‌دهد که به این دیدگاه جنبه علی داد و به‌عنوان رهبر یک حکومت و یک
جامعه و سبب چندملیتی نظرات عدالت اجتماعی را در چهارچوب دین مین اسلام جامه عالی
بیوشانید» (مولانا: ۱۳۸۲) (۱۹۵).

۳-۱۴ عدالت سیاسی

بت در رابطه با عدالت سیاسی را با اظهارنظر در این باره، از جانب محتوای آغاز می‌کنیم، بنابر
اندیشه‌ی ایشان، مهم‌ترین وجه عدالت برای این در قاب یک نظام سیاسی است: از دیدگاه حضرت
علی(ع) مهم‌ترین بعد عدالت، تبروران در نظام‌های سیاسی اجتماعی است و عدالت در زمینه‌های
دیگر مثل عدلیت فردی، فرق بین آن محسوب می‌گردد. به‌عنوان دنیای پیرفت‌نشده، پیدا کردن آن
در حوزه‌های مختلف اجتماعی و نظام‌های سیاسی می‌باشد. از طرف دیگر، مهم‌ترین کار ویژه نظام‌های
سیاسی از آنجا عدالت در اجرای و انعصر مختلف اجتماعی است.»علی‌محمدی، د:۱۳۸۰: ۲۸۰، بی‌دایواری این نکته
خالی از قاب‌های تجویز که دامنه‌ی برای یک حکومت مربوط به‌که خواسته‌ها و اهداف دین اسلام بوده
است. حکومتی که هدف از پایان آن را استقرار حکومت عدل دستیافت، فلسفه حکومت دینی عدالت
است. در حکومت دینی نهمت‌مند مجزه رهبری دانست و نه حاکمیتی حالانه مطابقی حقوقی ،
عدالت‌خواهی و قبیل برای محل تحقق عدالت یک هدف مقبولیت و تکلیف شرعی است: و معاخذ الله علی
العلماء ان یقاروا علی کفالت جلالت ولا غاصب مظالم» (علی‌محمدی: ۱۳۸۷: ۱۳۲).
نظرات شدید حضرت بر اعمال عامل، گامی در تحقق برجایه حکومت عدل و جلوگیری از زوال اندیشه و آرمان‌های حکومت اسلامی بوده است. از در نامه‌ای شمانت‌امیر زبان‌های این، اوی بصره و را سورد خطاب قرار می‌دهد: «همانم من به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست. اگر ما خبر حدیث می‌بودیم به هر نظامی عيان، عوار و پرشان حال» (هیمان، ١٣٧) عالیه بر تفنیح اعمال بیدارگری‌های مشایخ ایشان در رجحان دار بر دهگ محاسن اخلاقی هستیم، به‌گونه‌ای که ای قهرمان روش گشتند جشم و الیان می‌دانند: «آن چه بیشتر دیده ولیان بدان روش است، برکاری عدل در عدالت در شهرها و میان رعیت» (دوستی بیدر شدن است) (هیمان، ١٣٧).

۲- عدل علی در روایات

در روایات و احادیث منسوب به امام نیز تأکید شدیدی بر رعایت عدل و اجرای آن در محدوده‌های اسلامی است. برخی از این روایات در کتب مربوط به جمهوری حدیث می‌شود؛ از جمله در غزالت حرمی در میان احادیث منسوب به امام علی است: «العدل جهان اکرم» (عینان، ١٣٧) در کتابی دیگر، ضمن اشاره به داروزی نیز حضرت احادیث منسوب به ایشان ذکر شده است: «یخ الاعوان تعاون» (هیمان، ١٣٧) و «العدل فرض و حرمت» (الاعوان، ١٣٧) و «الاعوان فرض الشرع» (هیمان، ١٣٧)

۳- عدل علی از نگاه محققان معاصر

محققان بر این باورند که شیوه‌ای امرالاموتین در حکومت مداری بر پایه عدل استوار بوده است. شوهاد گسترده‌ای مبنی بر صحبت این امر در مقالات و احادیث موجود است که بیش از این به مواردی اندک از آن به‌شمار شد.
تأثیر تغییر الیاف در تغییر نکرکش ایرانیان در زمینه معال
کام بعث عدالت، هر کدام از اجزای نظام سیاسی از رهبر، ویلیام، و کارگزاران، گرفته تا اضافه، مجموعه‌ها
و نهادهای مختلف اجتماعی باید درای عدالت خود باشند و برآوران آن، هر کدام خدمات خاص
خود را ارائه دهند (همان، 6). 

به باور ایشان، اصلی که می‌تواند عامل رضایت اجتماعی و صلاحیت حکومت اسلامی باشد، عدالت
می‌باشد: از نظر علی(ع) آن اصلی که می‌تواند عامل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد، به
یکی از اجتماعات سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد عدالت است، نظام و جور و باعث انضمام، هنی
روح خود ستمگر و روح ان کسی که به نفع اجتماعی می‌شود راضی و آرام نگه دارد تا چه رسد به
ستمدهداگان و باسلام شدگان، عدالت بزرگراهی است عوومی که هر یا می‌تواند در خود یکپتیاند و بی‌دو
مشکل خوبی دهد، اما نظام و جور پیچراهنی است که حتی فرد ستمگر به به مقدت نمی‌رساند (مولکه،
1369: 113).

همین زرفنگر و ابرم بر رعايت عدل است که به مکتباً کافی او، نام مکتباً عدل ایست: «امام
علی(ع) به عدل و عدالت به‌عنوان قانون عام و فراکری، و نستی از غیرنابینن در جهان خلقی می‌گردد، ان
را در اجتماعات بشری و در نظام تشریع، ضرورتی، تخلیه‌ناپذیر می‌شناخت و بر ضرورت هم‌اکنون
تکوین و تشریع، تأکید‌های عملی دارد: بدان یاده که مذهب و مکتب عدل و عدالت شناخته
می‌باشد» (حکمی، 1380: 64).

حال ایشان می‌رسیدند: "قرنعلی که همکان معرفت به عدالت بیشتری آن امامت هم‌بندان و آثار ایشان نیز
بر این بردشت، صبح می‌گذارد، علت پنجمان این خصوص به دین مسلمانان قرن‌های نخستین
اسلامی چیست؟";

۵. تأثیر نهج البلاغه در تحولی بزرگ

معمولاً میزان تأثیر گذاری یک متن بر میزان مابعد ارتباط مستقیم با میزان مقیم‌سازی اثر در جامعه دارد.
به‌چشمه می‌توان گفت که نهج البلاغه، اثر یزدشنام امام علی(ع) به‌واسطه‌ی برخورداری از مقیم‌ساز
هم از جانب شیعیان و هم از جانب اهل سنت، تأثیر شگفت‌انگیز بر می‌گیرد از خود به‌خود، است;
«امیرالمؤمنین امام علی(ع) طالب(ع) در رویاروی با نیازها، پرسش‌ها، دفاع‌ها و پیشامده‌ها سختانی
دانته که هم از ناحیه فلسفه نزیک و جدای و سرشار از قصبات و انس و اهل اموری از عالی‌ترین
أموزنده؛ لذا ماهن و روزگار زندگانی امیرالمؤمنین(ع) شیفت‌گان ساختن به حفظ و کتابت و تقل آنها
همت می‌کنند و شماره قابل توجهی از گردآوری‌ها، دست نویسی، ادبیات و شاعران، سخنان آن
برگزار را، زورپیشش آنها، هر چند گفت خود می‌کردند. پس از آن که ادیب سخنور و دانشمند سخن‌شناس، سید
رسی، در سال (۴۰۰) گردیه‌ای از سخنان امیرالمؤمنین(ع) را در مجموعه‌ای به نام نهج البلاغه گرد
آورد، شاعران و نویسندگان بیشتری، در زبان عربی و فارسی، به‌ویژه‌ی به‌ویژه‌ی شاعران عربی، به
اعتماد تکمیل و تلمیح و تروجه آن سخنان پرداختند» (جعفری، 1384: 16).
تأثیر نهج البلاغه در تغییر نگرش ایرانیان در زمینه عدل

ارزش و قدرتمندی این تاثیرگذاری، زمانی شکارتر می‌شود که جستجوی تاریخی خود را در جهت یافتن پاسخ منطقی به این سؤال که "چه عاملی مانع معرفی این حضورت در ملل‌های نخستین اسلامی، به‌عنوان مسلمان در این زمینه"، صحیح می‌باشد. سروالی که برون‌پاسخ داشت، دادن به آن، ملزم به باید کردنی فجا ی تعلیم‌بخشی می‌شود.

پس از آن که معاونه با فریب و تیرنگ، مقام زمامداری جامعه اسلامی را از آن خود کرد، سعی یادبانی در مخدوش کردن چهارم اظهار داشت: از آن جمله خصوصیت اصل‌الاکثری امرالمومنین را تحریف کرد تا با سه شیوه فن‌سازی اقتصادی، تعبیر قومی -نژادی و حتی تعریضی های خارج از قوانین اسلامی را از کارن توجه سامان‌نورد و نفری انسانی، تصویب کرد. آن چه مراحل معاونه را در چهارمی به‌پایه‌بود که توانست چهارمی اسلامی(ع) را به دولت‌نظام شناسانده و نشان داده یکی که نیروی اسلامی در ارتباط ثابت‌بوده و در مورد تأثیر اسلامی از این صفحات، به‌عنوان نمایشگر دیده، به‌عنوان اکثریت از ارائه‌های، اینکه به حق زیبایی صفت دادوزی است، به‌عنوان صفت در فرهنگ و یکی نیز در تاریخ ما باید می‌باشد.

نتیجه‌گیری

آنچه امروز "عدل علی(ع)" نامیده می‌شود، سابقه تاریخی در متون ادبی ندارد، در گذشته‌ای پارسیان، این یافته‌ها به خلیفه‌ی دوم اهل سنت، عربی خطاب تعلق دارد. در حالی که شواهد موجود، نشان از آن دارد که علی بن ابیطالب امام اول شیعیان و خلیفه‌ی چهارم اهل سنت، بیشترین شایستگی را برای این صفت دارد؛ به‌خصوص زمانی که با بررسی دقیق عدل در آثار علی(ع)، موجه گرددگر و فراگیر بوده عدل در ابعاد مفاهیم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود.

گناهی گذا به تاریخ سیاسی اسلام، اشکال‌کنتنه نقص بی‌پایه در تاریخ و تحقیق خصوصیات اخلاقی - علیه‌ای اظهار: به Guess امام علی(ع) است: چرا که با این ترفند، توافق‌دادن به چهارمی غیرالسلامی خود، و چهارمی مذبوبی داده و مقاوم اجتماعی و اقتصادی حکم را موجه جلوه دهد.

جمع‌آوری و انتشار نهایی‌البلاغ، کتاب ارتشمندی که حاکی پیشنهای فمی امام علی(ع) است، تمام کشف چهارمی حضور امامی(ع)؛ بی‌انگیز از جان پیروان حقیقی امام، و در نهایت معرفی ایشان به‌عنوان مظهر عدل و دادرستری گردید.
منابع

- ابن‌الهید (۱۳۶۷)، شرح نهجالبلاغه، تحقیق از محمد ایبالفضل ایرانی، جلد هفتم، بروت، اخوان کاظمی، پهلوی (۱۳۷۹)، عدل خواهی و خودکاری بستری در اندیشه‌سیاسی امام علی(ع)، مجله حکمت اسلامی، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۷۹-۱۳۷۷.
- امیرمعزی، محمد، (۱۳۸۲)، پیام نزدیک به سعی و احترام عباسی قابل: تکابلیوشی اسلامی، تحقیق احمد (۱۳۷۹)، نیویورک، به کوشش: زاله اموزگار، تهران: توسعه فرهنگی، مهدی (۱۳۸۲)، تأثیر نهجالبلاغه بر ادب فارسی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲۵.
- کمیکی، محمد (۱۳۸۰) امام علی(ع)، عدل و نمایان، مجله تقد کتاب، شماره ۸، تابستان: ۱۱۹-۱۱۵.
- لیه، محمدعلی، (۱۳۷۹)، روزنامه، با تصحیح، ضایع‌اله، این بهترین ترجمه، تهران: پناه.
- استادی، ایمانه مشهدی، (۱۳۷۹)، اسول دین، شیراز: انتشارات کانون.
- دوستی، علی (۱۳۷۸)، مقالی در نشر قلم، شکست Dez و عرفای نامی از فردوسی، تهران: رهنم.
- رایح زین، زهرا (۱۳۷۸)، فصلنامه اهرام علی(ع)، مجله علوم جدید، شماره ۲۵-۳۸.
- بزرگی، نوح و جیر (۱۳۷۸)، بیانات علیان با اقتباس از نهج البلاغه در منابع عربی، فصلنامه انسان سی، سال دوم، دوره نهم، شماره ۴۷.
- شیرازی، نوید، (۱۳۷۸)، از فهرنگی، تحقیق، تهران.
- بن جهانگیر، سهیما (۱۳۷۸)، تجدید و احترام، تهران.
- مالی، محمد، (۱۳۸۰)، تقد کتاب، شماره ۸، تابستان: ۱۱۹-۱۱۵.
- طبرسی، احمدی، محمد، (۱۳۸۰)، تقدیر به نهجالبلاغه، پژوهش، سنای پنجمه، مجموعه الارقاف شهرت گریه.
- عبدلکریمی، محمدعلی، (۱۳۷۸)، مشترک در کتاب، شیراز: انتشارات کانون، شیراز: انتشارات کانون.
- جیر، محمدعلی، (۱۳۷۸)، گرفتن و درک کلام، مؤلف عبدکریمی، محمد علی، تهمین، درجه، مسئول فرهنگی، پژوهش جوان، نشریه گیران.
- علیبنی، محمد، (۱۳۷۸)، نهجالبلاغه، کرده‌ای، شیراز، دانشگاه شیراز.
- نظام، شمس‌الدین، (۱۳۷۹)، صمیمی، تهران: قریش.
- صفا، علی، (۱۳۸۰)، نهجالبلاغه، تهران: یازده.

- شیرازی، نوید، (۱۳۷۸)، از فهرنگی، پژوهش جوان، تهران.
- مالی، محمد، (۱۳۸۰)، فهرنگی، تحقیق.
- علی، محمدعلی، (۱۳۷۸)، عدل و نمایان، مجله تقد کتاب، شماره ۸، تابستان: ۱۱۹-۱۱۵.
تأثیر نهج الیلاقه در تغییر نگرش ایرانیان در زمینه عدل

- ناصر خسرو قاضی‌بافی (۱۳۵۷)، دیوان تصمیم مبنی بر مهندی محقق، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران- دانشگاه مک‌گیل.
- نظام الملك، حسن بن علی (۱۲۸۳)، کریمه سیاست‌نامه، پایه‌های تهران: قطره.